



می‌دهد. واضح است که همه مقامات دولتی، منتخب یا منصوب، مستقیم یا غیرمستقیم مشروعیت خود را از مردم کسب می‌کنند. این مقامات از طریق اصلی بالاتر از اصل تقسیمات حداکثر یعنی اصل قانون اساسی کنترل می‌شوند. تعهد اخلاقی اولیه است که مدیر دولتی را حافظ و ضامن ارزش‌های بنیادین هر شهروند، می‌سازد. پیش‌نیاز قانون اساسی به‌طور خاص با دیدگاه نمایندگی و شهروندی از عامه همخوانی دارد.

پرورش شهروند فاضل

پیش نیاز دوم برای طراحی الگوی مشارکت اجتماعی در حکمرانی باید بر ایده غنی شهروندی استوار باشد. در جاهای دیگر از آن، به شهروند فاضل اشاره شده است. گفته می‌شود که یک دولت نمی‌تواند از مردمی که نمایندگی آن را به عهده دارد، بهتر باشد. بنابراین بهتر است که مفهوم غنی شهروندی، نوعی قید مدیریت دولتی باشد. در ادامه به چهار ویژگی شهروند فاضل اشاره شده است: ۱- نخست اینکه شهروند فاضل ارزش‌های بنیادی را درک می‌کند و قادر به انجام و اجرای فلسفه اخلاقی حاکم است. یعنی سیاست‌های تقویت‌کننده منافع خاص و عام شهروندان را می‌شناسد و با قانون اساسی همراهی می‌کند. این شهروندان باید دارای نوعی زندگی مدنی باشند که ارائه قضاوت فلسفی بخش مهمی از آن است.

۲- باور، ویژگی دوم شهروند فاضل است. شهروند باید باور داشته باشد که ارزش‌های رژیم حاکم، صحیح و درست هستند نه ایده‌های مقبول اکثریت یا ایده‌هایی که از لحاظ روانی راضی کننده‌اند.

۳- ویژگی سوم شهروند فاضل تقبل مسئولیت اخلاقی است. یعنی اگر به ارزش‌های نظام معتقد است باید از آن دفاع کند.

۴- ویژگی چهارم شهروندان فاضل مدنیت است. مدنیت مستلزم گذشت است و این امر بیانگر آن است که قوانین نباید فرد را مجبور به گذشت کند بلکه باید تا حدی که آزادی را مخدوش نمی‌کنند رعایت شوند. تحمل جنبه دوم مدنیت است. باید از طریق گفت‌وگو تحمل شنیدن ایده‌های دیگران را داشت. ایده‌ها سکه رایج در بازار مدنیت هستند. در عین حال اقدام عملی علیه ارزش‌های محوری نظام موضوع دیگری است که باید با آن مقابله کرد. مسئولیت مستخدم دولتی پرورش شهروندی فاضل است. چنین شهروندی به سیستم خدمات عمومی متعهد و مراقب احترام خواهند گذاشت.

حساسیت نسبت به عامه (جمعی و غیرجمعی)

پیش‌نیاز سوم طراحی الگو، ایجاد و حفظ سیستم‌ها و روش‌هایی برای شنیدن و پاسخ به منافع عامه جمعی و غیرجمعی است. عامه جمعی (گروه‌های ذینفع) عموماً قادر به یافتن ساز و کارهای ابراز و دنبال کردن دیدگاه‌های خود هستند. در عین حال، مدیریت دولتی در نگاه خود به کارایی، بهنگامی و نظم، میل به پرهیز از ساز و کارهای ابراز منافع دارد. شوندها، مشورت‌ها، حکمیت‌ها... و نظایر آنها برای تئوری عمومی عامه در مدیریت دولتی ضروری هستند. البته وظیفه دشوارتر مدیریت دولتی، توجه به سلامتی و منافع عامه غیرمتشکل است. براساس قانون اساسی و تعهد به اصول آن و بر

یکی از علل ناکارآمدی نسبی دولت‌های گذشته ساختار حکمرانی متمرکز کشور است؛ به طوری که حتی بهترین مدیران نیز در چنین ساختاری نمی‌توانند از کارایی و بهره‌وری لازم برخوردار باشند. تأکید بیش از اندازه بر بوروکراسی اداری متمرکز و عدم استفاده از ظرفیت‌های مناطق مختلف کشور برای مشارکت اجتماعی در امر حکمرانی سبب شده اولاً توان جامعه در حل مشکلات، مغفول واقع شود و ثانیاً در مدیریت منابع، طرح‌ها و سیاستگذاری‌ها نقاط مختلف کشور به اندازه کافی مورد توجه قرار نگیرند و نوعی عدم توازن به وجود آید. این وضعیت خود منجر به نوعی فاصله و شکاف طبیعی میان حاکمیت و جامعه می‌شود

مبنای وجود شهروندی فاضل، مدیران دولتی باید به عامه غیرمتشکل اهمیت دهند. براساس قانون اساسی، هر شهروندی در پناه قانون از حمایت برابر برخوردار است. از این‌رو مدیر دولتی باید حامی برخورد مساوی با شهروندان باشد. مدیران دولتی نباید بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی یا فرصت‌های استخدامی در بخش دولتی را تحمل کنند. مدیریت دولتی باید نه فقط به کارایی و صرفه‌جویی بلکه به عدالت اجتماعی متعهد باشد.

رویکرد خیرخواهی و فضیلت محوری به شهروندان

پیش‌نیاز چهارم برای تئوری عمومی عامه باید بر خیرخواهی و عشق‌ورزی استوار باشد. خیرخواهی یا دوست‌داشتن دیگران کلید اصلی تئوری عامه است. به نظر می‌رسد دوست داشتن کشور مستلزم توجه به دو اصل متفاوت است: نخست احترام و حرمت ویژه به قانون اساسی یا شکل دولت که تثبیت شده و روی کار آمده و دوم کمک به امنیت، احترام و شادی دیگران تا حد توان است. کسی که به قوانین احترام نمی‌گذارد و از دیدگاه مدنی اطاعت نمی‌کند شهروند نیست؛ یقیناً کسی که میل به ارتقای رفاه کل جامعه (به وسیله هر ابزاری که در قدرت اوست) ندارد شهروند خوبی نیست. هدف دولت باید حفظ ارزش‌های بنیادی نظام سیاسی در برابر همه شهروندان باشد. هدف مدیریت دولتی باید بر مبنای نوعی از مفهوم عامه استوار باشد که بر خیرخواهی و عشق‌ورزی استوار باشد. آنچه در ایده خیرخواهی نهفته است، معنی خدمات عمومی است که سنت دیرینه مدیریت در سطح دولت است و در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

عقلایی که وسیله‌ای به شمار می‌آمده است، به صورت هدف درآمده و این وضعیت شایسته حکومت‌های آزادمنش و مردم‌سالار نیست. این گروه معتقدند اختیار تصمیم‌گیری در قوه مجریه به صورت فن سالارانه موافق با اصول جامعه مرکب و مردم‌سالار نیست. به نظر می‌رسد دیدگاهی که مردم را دال اصلی حکمرانی می‌بیند می‌تواند بهتر در عرصه حکمرانی عمل کند؛ زیرا سیاست‌ها برخاسته از نیاز شهروندان بوده و در نهایت نیز همراهی آنها را با مرحله اجرا به دنبال خواهد داشت.

الزامات مشارکت مردم در حکمرانی

پایبندی به قانون اساسی

نخستین پیش‌نیاز این الگو آن است که باید بر قانون اساسی استوار باشد. اصول حاکمیت مردم، دولت نماینده، حقوق شهروندان، تعادل قوا و... در قانون اساسی ذکر شده است. حکومت اداری مدرن نه تنها باید با قانون اساسی سازگار باشد، بلکه در تحقق چشم‌انداز قانون اساسی نیز ضروری است. براساس قانون اساسی، مدیر دولتی باید هم از لحاظ فنی شایسته و هم از لحاظ اخلاق متعهد باشد. تعهد اخلاقی باید نسبت به قانون اساسی و هم نسبت به دارا شدن شرایط لازم فنی اداری باشد. هدف اولیه دولت‌ها باید تضمین ارزش‌های بنیادی برای همه شهروندان باشد که مردم‌سالاری را ابزاری برای تحقق اهداف نهایی و نه خود هدف نهایی تصور می‌کنند. آنگاه دولت از طریق اقدام اساسی پذیرش قانون اساسی و نه فقط از طریق انتخابات، مشروعیت کسب می‌کند. بدین ترتیب، اقدامات، اهداف و پذیرش قانون اساسی مشروعیت را شکل

ویژه‌نامه



ایران

چهارشنبه
۲ شهریور ۱۴۰۱